ادامه از صفحه ۱۴

خود را تامین کند. وام می‌دهد تا کارگرهای فلان کارخانه ورشکسته شده به سر کار برگردند و وام می‌دهد تا حقوق کارگران پرداخت شود؛ همه این موارد نیز زیان‌ده می‌شوند. به همین دلیل می‌توان تاکید کرد. دو موتور فعال داریم؛ ۱- کسری بودجه به معنای اعم. تمام این فعالیت‌ها جزء بودجه هستند. ممکن است در ارقام عادی بودجه نیاید ولی جزئی از عملیات مالی دولت محسوب می‌شود. ناترازی در عملیات مالی دولت داریم که خودش را در نظام بانکی نشان می‌دهد. ۲- ناترازی دیگری از خود عملیات بانکی داریم؛ چراکه نظارت مکفی روی نظام بانکی اتفاق نمی‌افتد.

البته بحث ناترازی به دلیل مسائل مربوط به رکود اقتصادی نیز وجود دارد که عادی بوده و همه‌جای دنیا دیده می‌شود. بالاخره ممکن است بنگاه‌ها ورشکست شوند و پول‌شان را ندهند. آنجا نیز ناترازی ایجاد می‌شود. نمی‌خواهم بگویم اکنون مقصر هر ناترازی در نظام بانکی اتفاق افتاده، خود بانک است. امکان دارد مقصر، شرکتی باشد که ورشکست شده است. چرا شرکت ورشکست شده؟ ممکن است دلایل مختلف و خاص خود را داشته باشد. همه این ناترازی‌ها، سوءعملکردها، ناکارایی‌های عملکردی و کسری‌ها، چه از جانب دولت، چه از جانب شرکت‌های دولتی و چه از جانب شرکت‌های اقتصادی شامل کمپانی‌ها و شرکت‌های بخش خصوصی به بانک‌ها، چه بانک‌های دولتی و چه بانک‌های خصوصی تحمیل می‌شود.

خود بانک‌ها نیز از این فرصت، ممکن است حُسن استفاده را کنند. به زیرمجموعه‌های خود وام بدهند، سرمایه نیاورند و نظارت جدی نکنند. در ادامه تمام این موارد به‌صورت کسری روی ترازنامه بانک مرکزی می‌نشیند، لذا همیشه تاکید دارم ما باید هر دو موتور محرکه ۱- کسری بودجه و کسری ناشی از ۲- ناترازی بانکی را ترمیم کنیم تا نظام بانکی بتواند کار خودش را انجام بدهد. در این صورت بانک مرکزی می‌تواند مسلط باشد. به‌طور مثال اگر بانک مرکزی بخواهد عملیات انقباضی مانند سیاست فعالِ پولی اجرا کند، به محض تصمیم‌گیری برای انجام نخستین کار، ناگهان از دولت تماس می‌گیرند و می‌گویند چرا می‌خواهید چنین کاری کنید؟ فلان بانک که اضافه برداشت کرده، به این خاطر بوده که ما گفته‌ایم به بهمان شرکت، وام بدهد تا حقوق کارگران خود را پرداخت کند. بانک مرکزی عملا نمی‌تواند کاری انجام دهد و می‌گوید سمعا و طاعتا. کاملا فعالانه روی صندلی می‌نشینند و کاری نمی‌کنند!

سوال دقیقا همین است؛ علاوه‌بر بحث ناترازی‌های بانکی، ناترازی‌های صندوق‌های بازنشستگی نیز مطرح می‌شود. این صندوق‌ها ارتباط نزدیکی با کف جامعه دارند و به همین خاطر مقاومت برای اصلاح آنها زیاد است. در این شرایط اگر بخواهیم ابزارهای فعالانه سیاستگذاری پولی داشته باشیم، از چه جنسی خواهند بود؟ اگر مقاومت اجتماعی وجود نداشت، در بلندمدت می‌توان سن بازنشستگی یا دوره بازنشستگی را اصلاح کرده و اصلاحات پارامتریک را در صندوق‌های بازنشستگی اعمال کرد، حتی می‌توان در نظام بودجه‌ریزی تصمیم گرفت نظام رفاهی را از سیاست‌های پولی و ارزی جدا کرد. مثلا به‌جای اینکه ارز ترجیحی بدهیم، نقدی حساب کنند یا اگر بنا دارند انرژی را با قیمت پایین‌تر عرضه کنند، باز هم از طبقات اجتماعی حمایت‌های نقدی داشته باشند. می‌توان این برنامه‌ها را در بازه‌های زمانی اجرا کرد ولی در جاهایی مثل صندوق‌های بازنشستگی مقاومت

وجود دارد؟ آنجا برای اعمال سیاست‌های پولی فعال باید چه کرد؟

اولا باید یادمان باشد هر زمان درخصوص «اصلاح» صحبت می‌کنیم، درباره یک اتاق جراحی حرف می‌زنیم. واقعا درخصوص مساله ساده‌ای صحبت نمی‌کنیم، چون بیمار مابدحال است. اصطلاحی داریم که می‌گوییم: «there is no free lunch» (اینجا هیچ ناهار رایگانی وجود ندارد.) این گونه نیست که بنشینیم و بگوییم: «مجانی اصلاح کنیم»، گویی به سلمانی رفته و می‌خواهیم اصلاح کنیم! واقعا این‌طور نیست، بلکه مثل قلب بیماری بوده که سکته کرده و رگ‌هایش گرفته است. عمل جراحی او اصلا ساده نخواهد بود و حتما دوران نقاهتی خواهد داشت. یادمان باشد به هیچ عنوان این گونه نیست که هیچ اتفاقی نمی‌افتد و نخواهد افتاد؛ ما بلد نیستیم که چنین کاری بتوان انجام داد!

سوال این است که حالا چه کاری می‌توان در کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی کرد؟ باید چهار برنامه را به‌صورت همزمان و فعال اجرا کرد.

۱ **برنامه اول**؛ سیاست پولی فعال است، یعنی اولا نسبت به هر شوک تورمی که اتفاق می‌افتد، برای یک انقباض پولی اقدام کرد. فرض کنید یک ماه اضافه برداشتی از سوی دو بانک انجام شد و ناگهان بالا رفت. حتما باید در عملیات بازار باز بانک مرکزی، معکوس این عمل انجام شود، مثلا اوراق فروخته و ریال جمع شود تا اصطلاحا استریلیزه کند. ممکن است نرخ‌های کوتاه‌مدت سود بالا برود. روی نرخ کوتاه‌مدت تاکید می‌کنم؛ چراکه هدف ما کاهش تورم است و نباید درباره نرخ‌های بلندمدت بحث زیادی کنیم. این همان واکنشی است که روسیه نشان داد. بعد هم وقتی شوک از بین رفت، نرخ را برمی‌گردانند.

مورد دوم؛ کنترل مقداری پول است. تا زمانی که ما به تورم‌های نزدیک به ۱۰ درصد نرسیده‌ایم، چاره‌ای جز این نداریم که نرخ رشد نقدینگی یا نرخ رشد پایه پولی را هدف‌گذاری کنیم، به‌طور مثال برای سال آینده نرخ رشد ۳۰ درصد یا ۲۷ درصد یا ۲۴ درصد را هدف قرار می‌دهیم. برای دوسال بعد، ۱۲ درصد را «تارگت» در نظر می‌گیریم. باید نرخ کاهنده‌ای داشته باشد تا آرام آرام بتواند نرخ رشد پول و نرخ رشد نقدینگی را ببندد و کم‌کم بیمار را آرام کند؛ این هدفگذاری مقداری است.

برای اینکه اشتباه نشود، تاکید می‌کنم برای اینکه تورم متوسط ۴۰ درصد را کاهش دهیم، نباید نرخ بهره را ۵۰ درصد کنیم؛ این کار اشتباه است. به هیچ عنوان این اقدام توجیهی ندارد. موردی که اشاره کردم مربوط به شوک‌های موقتی و کوتاه‌مدت است. پیش‌تر گفتم در مواقعی مجبور می‌شویم نرخ بهره را سه تا پنج درصد بالا ببریم تا بتوانیم شوک را مهار کنیم.

۲ **برنامه دوم**، سیاست فعال ارزی است. مولانا در جایی می‌گوید: «اول ای جان دفع شر موش کن». ما یک‌سری موش در سیاست‌های اقتصادی داریم که اصلا اجازه نمی‌دهند سیاست‌های درست فعال پولی را به اجرا دربیاوریم. ابتدا باید موش‌ها را دفع کنیم. این موش‌ها چیستند؟ همین سیاست‌های چندنرخی. در جایی نرخی را می‌بندیم، درواقع در بازار غیررسمی، جریانی موازی را فعال می‌کند و این دونرخی شدن، آفتی ثانویه شده و باعث می‌شود در بازارهای اصلی و کالاهای اساسی، اصلا کالایی نیاید، ارزی تعلق نگیرد، تولید کاهش پیدا کند و به منبع ناترازی جدید تبدیل شود. بعد مجبور می‌شویم تصمیم دیگری بگیریم. قاچاق زیاد می‌شود، ارز برنمی‌گردد و تقاضاهای سفته‌بازی و خروج سرمایه افزایش می‌یابد، درنتیجه مجبور می‌شویم دست‌مان را از روی فنر برداریم و دوباره شوک جدیدی وارد و همان داستان‌ها تکرار می‌شود. اولین مساله این است که جلوی چنین اتفاقی را بگیریم. نباید دست‌مان را روی یکی، دو نرخ بگذاریم و آنها را مدام ثابت نگه داریم تا بعدا مجبور شویم دست‌مان را برداریم، پس نباید قفل کردن به‌صورت دستوری در نرخ‌هایی که قابل دفاع نیستند، اتفاق بیفتد.

در سیاست‌های کنترل ارزی، بحثی به نام سیاست‌های تثبیت ارزی وجود دارد ولی در نرخ خیلی پایین تثبیت نمی‌کند تا نتواند از آن دفاع کند. این کار را در نرخ بالا انجام می‌دهد تا بتواند مدافع آن باشد. اگر حمله سفته‌بازانه‌ای صورت گرفت، به اندازه‌ای ارز داشته باشد تا بتواند دفاع کند. ممکن است بانک مرکزی در آن نرخ، بعضا خریدار باشد. من نمی‌گویم: «در نرخی تثبیت کنیم.» بلکه باید متناسب با شرایط اقتصاد تغییر کند. با توجه به رشد مستمر نقدینگی عملا باید با شیب آرامی افزایش پیدا کند. این شیب باید در ذهن بانک مرکزی باشد و اجازه بدهند این نرخ در کریدور موردنظر بانک مرکزی، بالا و پایین شود.»

یعنی باید نرخ رشد ارز را بیشتر کنترل کنیم؟

باید حواس‌مان به این باشد که بازار ارز نباید بازار جذابی برای سرمایه‌گذاری آحاد اقتصادی باشد. اگر ببینند چقدر خوب است، به‌صورت متوسط ماهانه چهار درصد رشد می‌کند، همه می‌گویند: «برویم پول‌هایمان را از سپرده برداریم و ارز بخریم. در کریدور ثابتی درحال رشد چهار درصدی به‌شکل ماهانه است، درحالی که سپرده بانکی در ماه، دو درصد سود می‌دهد. دست‌شان هم درد نکند!» حتما باید ریسک دریافته آن از نرخ سود سپرده بانکی کمتر باشد تا جذاب‌تر از سود بانکی جلوه نکند، درنتیجه باید روی نرخ بالاتر بایستد و با نرخ رشد پایین افزایش پیدا کند تا مردم آرام‌آرام انگیزه خود را از حرکت به‌سمت بازار ارز و مسکن از دست بدهند و کم‌کم به ریال برگردند. مردم باید خودشان، بازگشت به ریال داشته باشند. با اجبار و دستور نمی‌توان مردم را برگرداند. مردم باید احساس کنند تورم آرام‌آرام درحال خوابیدن است، ثبات و آرامش برمی‌گردد، پس در همان قسمت سرمایه‌گذاری می‌کنم، چون سود بیشتری دارد.

دقت کنید که اگر ناگهانی نرخ ارز در جایی خواست پرش (Jump) کند، نباید هرچه ذخایر ارزی و طلا داریم، بریزیم تا جلوی آن را بگیریم. باید اجازه بدهیم نرخ بالا برود و بعد از بالا، شروع به کنترل کنیم. حراج هلندی بفروشد و به‌اصطلاح بر سرش بزند و آن را پایین بیاورد؛ کاری که روسیه انجام داد. این هم سیاست ارزی فعال است. نباید کسی به راحتی بفهمد چه اتفاقی رخ می‌دهد. باید اجازه بدهند خود بازار، این مسیر را هدایت کند؛ گویی کاملا «بازاری» عمل می‌شود ولی هدایتگر از پشت‌صحنه، بانک مرکزی است که اجازه می‌دهد نرخ متوسط براساس نرخ مدنظر او در میان‌مدت تغییر کند و تدریجا و آرام بالا رود.

اتفاقی از شهریور سال ۱۳۹۷ تا بهمن ۱۳۹۸ در نرخ ارز افتاد. این نرخ تا اوایل مهر تا ۱۹ هزار تومان نیز بالا رفت، بعد کاهش رخ داد. بانک مرکزی، نرخ ارز را نزدیک به یک‌سال در کانال ۱۱ تا ۱۲ هزار تومان نگه داشت. تزریق ارز چندانی هم به بازار صورت نگرفت ولی روی این نرخ ایستاد. آن هم سیاست فعال بود؟

یادم می‌آید همان زمان در بحث‌ها مطرح می‌شد. وقتی می‌گویم: «بانک مرکزی از پشت صحنه باید هدایت کند» از همین جهت است. فرض کنید با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در بزرگراه رانندگی می‌کنید. با خود می‌گویید: «خیلی هم خوب است. هیچ مشکلی وجود ندارد. هیچ سنگی هم در مسیر نیست.» اگر سنگ بزرگی را در یک کیلومتری خود وسط جاده ببینید، از لحظه‌ای که متوجه وجود سنگ شوید، چه کار می‌کنید؟ پای خود را روی ترمز می‌گذارید تا آرام‌آرام سرعت شما کم شود و بتوانید ماشین را متوقف کنید. هیچ‌وقت نمی‌گویید وقتی به سنگ رسیدم، حالا می‌زنم روی ترمز! اگر آن زمان می‌دیدیم - که می‌توانستیم ببینیم و واقعا می‌دیدیم - این ارز ۱۱ هزار تومانی برای یک سال آینده نمی‌تواند ارز پایدار ما باشد. من به اعداد کاری ندارم. همین اتفاق چندبار در سال‌های بعد ازجمله ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نیز رخ داد. وقتی می‌بینیم از یک‌سو نرخ نقدینگی به‌صورت متوسط ۴۰ درصد رشد می‌کند، گویی بهمن از کوه سرازیر می‌شود. ما باید برای مواجهه با این بهمن آماده شویم، لذا باید اجازه بدهیم این بهمن آرام‌آرام خودش را تعدیل کند. اگر نگذاریم تعدیل تدریجی اتفاق بیفتد، به‌طور مثال می‌بینیم نرخ فاندامنتال خودش را به ۴۵ تا ۵۰ هزار تومان می‌رساند ولی ما هنوز روی ۳۰ هزار تومان ایستاده‌ایم؛ این کار هم خطرناک و خطاست. باید اجازه دهیم آهسته‌آهسته به ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان می‌رسید تا یک‌باره به‌صورت بهمن در کل اقتصاد تخلیه نشود. باید مدام سرنگ می‌زدیم و از آن بیرون می‌کشیدیم تا اقتصاد روند آرام خود را طی کند. وقتی می‌گویم «آرام» منظورم کاهش بسیار زیاد و قابل‌توجه نیست. درست است با نرخ ۳۰ درصد رشد می‌کند ولی قطعا تورم ۳۰ درصدی بهتر از تورم ۶۰ درصد است.

۳ **برنامه سوم** که باید به‌صورت همزمان آغاز کرد تا این دو سیاست قابل تحقق شوند، شروع اصلاحات در حوزه نظام بانکی است. چرا اهمیت دارد؟ بازهم می‌خواهم به سوال شما برگردم؛ گفتید: «چرا در همه جای دنیا به بانک مرکزی نگاه کرده و توجه می‌کنند چه سیاستی را اتخاذ می‌کند ولی به بانک مرکزی ما اهمیتی نمی‌دهند»؛ اینجا بحث اعتبار بانک مرکزی و اعتبار «حرف» رئیس کل این بانک مطرح است. در دنیا روی کلمه‌به‌کلمه عبارت‌هایی که رئیس کل بانک مرکزی بر زبان می‌آورد، تحلیل می‌کنند و بازارها تکان می‌خورند. خاطرات «بن برنانکی» (Ben Bernanke)، رئیس بانک مرکزی آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری «جرج دبلیو بوش» و «باراک اوباما» را بخوانید. او تعریف می‌کرد و می‌گفت: «جایی در سخنرانی‌ام حواسم نبود و صفتی را ذره‌ای شدیدتر از آنچه واقعا قصدمان بود اجرا کنیم، به کار بردم.» حرف از عدد و رقم نیست، بلکه کلمه‌ای که بر زبان آورده کمی شدیدتر بوده؛ او می‌نویسد: «بازار بورس فردای آن روز به‌هم ریخت!» تعبیر و تفسیر همه از صحبت «برنانکی» این بود که می‌خواهد کار عجیبی انجام بدهد. کلمات‌شان اهمیت دارد، چون می‌دانند وقتی فردی رئیس کل بانک مرکزی شده، حواسش هست چه صحبتی انجام می‌دهد و زمانی که می‌گوید می‌خواهم فلان کار را انجام بدهم، حرف او اعتبار دارد.

در کشورمان عملا اعتبار بانک مرکزی خیلی تضعیف شده است. نمی‌گویم اعتبار ندارد ولی بالاخره اعتبارش تضعیف شده است.

چرا؟ چون ابزارها را از بانک مرکزی گرفته‌ایم؟

بله، ابزارها از بانک مرکزی گرفته شده است. وقتی ساختار تصمیم‌گیری مملو از تضاد منافع بوده، معلوم است آنقدری نمی‌تواند اعتبار بالایی داشته باشد. مردم می‌گویند مگر بانک مرکزی چه کار می‌کند که بخواهد روی زندگی ما تاثیر بگذارد؟ چرا نمی‌تواند اثرگذار باشد؟ به همان مساله ناترازی بانکی می‌رسیم. از آنجا که ناترازی بانکی وجود دارد، چاقوی بانک مرکزی دیگر برشی ندارد، به همین دلیل بی‌اعتبار می‌شود. گفتیم اقدام سوم، حرکت به‌سمت اصلاح نظام بانکی است. اصلاح نظام بانکی نیز دومحور دارد.

نظام بانکی شامل بانک مرکزی و شبکه بانکی است. وقتی از اصلاح نظام بانکی صحبت می‌کنیم، یعنی هم بانک مرکزی و هم شبکه بانکی باید درست شوند. ترمیم بانک مرکزی به اصلاح ساختار شورای پول و اعتبار مرتبط است. قوانین حاکم بر بانک مرکزی و نظام بانکی باید اصلاح شوند تا تیغ بانک مرکزی بُرد و اگر تصمیم گرفت بانکی را منحل کند، همان شب با مجوز خودش این کار را انجام بدهد، نه اینکه ۱۰۰ مجوز از سران نظام بگیرد تا بخواهد دست به یک بانک بزند و بگوید: «پسرم! چرا کار بدی کردی!» اگر بانک مرکزی تصمیمی گرفت، باید همان روز تصمیم خود را به اجرا دربیاورد. باید ساختار تضاد منافع از بین برود. نباید وزرای مصرف‌کننده اعتبارات بانکی در شورای پول و اعتبار نشسته باشند. به‌طور مثال فردی به‌لحاظ وظیفه و ماموریت ذاتی خود باید وضعیت کشاورزی کشور را بهبود ببخشد و عضوی از شورای پول و اعتبار شده، درحالی که او نمی‌تواند در این جایگاه قرار بگیرد، چون تضاد منافع دارد. وزرای صنعت و رفاه نیز چنین شرایطی دارند و نباید در شورای پول و اعتبار باشند. البته حرفم ابدا به این معنا نیست که این شورا باید خصوصی شود، بلکه اعضا مثل دیگر نقاط دنیا می‌توانند منتخب رئیس جمهور و مجلس باشند. در ساختار ایران نیز باید منتخب این دو نهاد باشند ولی پست مستقلی دارند. چند فرد مستقل ازجمله اقتصاددانان و بانک‌دانان، یعنی کسانی که بانکداری و اقتصاد می‌دانند به‌عنوان متخصصان منتخب رئیس جمهور می‌نشینند و سیاست‌های پولی کشور را تعیین می‌کنند. چنانکه گفتم ابتدا باید ساختار شورای پول و اعتبار و بعد قوانین باید درست شوند. اصلاح قوانین نیز کاری ندارد. ۱۰ مورد قانونی باید اصلاح شوند تا دست بانک مرکزی را باز بگذارند تا چند کار انجام بدهد. در ادامه سراغ شبکه بانکی برویم که نیاز به مجموعه اصلاحاتی دارد؛ اعم از اصلاحات مربوط به کفایت سرمایه، نقدینگی بانک‌ها، اعطای وام به اشخاص مرتبط بانکی، نحوه شناسایی درآمدها و ذخیره‌گیری بانک‌ها. از همه مهم‌تر در وهله اول باید (asset quality review) «AQR» انجام شود. باید دارایی‌های بانک‌ها ارزشیابی شوند. درواقع چکاپی صورت می‌گیرد تا مشخص شود کدام نقاط شبکه بانکی اشکال دارد. به میزان اشکالات هم افزایش سرمایه می‌دهند یا سپرده‌گذاران را تبدیل به سهامدار می‌کنند. همچنین بانک مرکزی می‌تواند شرکتی را تاسیس کند تا سهامدار شود. می‌توانند سلب حق تقدم یا در بورس عرضه کرده یا اصلا آن را منحل کنند. تا زمانی که چکاپ و سونوگرافی انجام نشود، نمی‌توان کاری انجام داد. در قدم اول باید نظام بانکی را چکاپ و سونوگرافی کرد تا معلوم شود کدام قسمت‌ها گیر کرده و هر بانک در چه بخش‌هایی مشکل دارد. براساس این مشکلات، نسخه پیچیده و تجویز می‌شود کدام‌یک باید افزایش سرمایه داده یا کار دیگری انجام شود. بر این مبنا بانک سالم خواهد شد. وقتی بانک، سلامت خود را به‌دست بیاورد، بانک مرکزی نیز می‌تواند بهتر عمل کند. البته این فرآیند زمانبر است. سیاست ارزی و پولی فعال را می‌توان از امشب آغاز کرد ولی اصلاح نظام بانکی نیاز به زمان دارد. اگر نظام بانکی اصلاح نشود، سیاست‌های پولی و ارزی، دیگر اعتباری نخواهند داشت. همه ظرف سه‌ماه می‌فهمند این طبل توخالی است و به نقطه قبلی برمی‌گردیم.

ادامه در صفحه ۱۶

نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خراسان جنوبی (سهامی خاص)

آگهی فراخوان مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (مناقصه عمومی و یک‌مرحله‌ای شماره ۵۳۱۵۰۰۵۴)

نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گذار: شرکت گاز استان خراسان جنوبی (سهامی خاص)- بیرجند- سایت اداری- بلوار پیامبر اعظم(ص)- ابتدای خیابان شهدای نیروی انتظامی- شرکت گاز استان خراسان جنوبی- طبقه اول- امور حقوقی و پیمان‌ها- کدپستی: ۹۷۱۹۸۶۶۸۳۸- تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۹۲۰۰۰، نمابر امور پیمان‌ها: ۰۵۶-۳۲۴۰۰۵۲۳

موضوع مناقصه: گازرسانی به شهر راسک و روستاهای حومه شهر راسک استان سیستان‌وبلوچستان به روش PC

شرح مختصر کار: تهیه کلیه مصالح و اجرای ۱۶۸۷۲ متر شبکه تغذیه فولادی ۲ تا ۱۲ اینچ و ۷۳۶۵۰ متر شبکه توزیع پلی‌اتیلن ۶۳، ۹۰، ۱۲۵، ۱۶۰ میلیمتری و ۲۵۰ انشعاب پلی‌اتیلن و یک دستگاه ایستگاه تقلیل فشار TBS کابینتی به ظرفیت ۵۰۰۰ مترمکعب بر ساعت و تهیه مصالح، اجرا و راه‌اندازی یک مورد سیستم حفاظت کاتدیک (cps) در شهر راسک و روستاهای حومه شهر راسک استان سیستان‌وبلوچستان به روش PC از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) و به شماره فراخوان (۲۰۰۲۰۹۱۴۴۴۰۰۰۰۴۸)

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین‌های اعلام‌شده در آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه- مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲- مبلغ تضمین: ۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بیست و شش میلیارد ریال)- ارائه هر گونه چک به عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مورد قبول نمی‌باشد.

نکته: اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار تا قبل از آخرین مهلت عودت اسناد مناقصه در سامانه ستاد علاوه بر بارگذاری از طریق سامانه مذکور بایستی به امور پیمان‌ها شرکت گاز استان خراسان جنوبی ارائه گردد.

محل تأمین اعتبار پیمان: اعتبارات سرمایه‌ای (منابع بند ق تبصره ۲ ماده واحده قانون بودجه- طرح‌های غیرعمرانی) شرکت گاز استان سیستان‌وبلوچستان

شرایط متقاضیان:

دارا بودن حداقل پایه ۴ در رشته تأسیسات و تجهیزات و پایه ۴ در رشته نفت و گاز

ارائه گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

داشتن ظرفیت خالی ارجاع کار در یکی از رشته‌های فوق‌الذکر و دارا بودن سابقه کاری مشابه و مرتبط

ارائه مدارک معتبر ثبتی مناقصه‌گر و مدارک و مستندات مذکور در اسناد ارزیابی کیفی

ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۱ یا حداقل سال ۱۴۰۰ توسط مؤسسات حسابرسی معتبر مطابق بخشنامه ۲۶۵۱۰/ت۳۹۰۳۹ک مورخ ۱۳۸۸/۲/۹

تذکر: مطابق بند الف ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی، ارجاع کار صرفا به موسسات و شرکت‌های ایرانی ثبت‌شده در فهرست توانمندی‌های مندرج در سامانه ماده ۴ این قانون (سامان توانیران) مجاز است.

برنامه زمانی مناقصه:

مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ لغایت ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

آخرین مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی روی سامانه ستاد: ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

اعلام نتایج ارزیابی کیفی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۴ لغایت ساعت ۰۹:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه روی سامانه ستاد: ساعت ۰۹:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

زمان و مکان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۴- سالن جلسات شرکت گاز استان خراسان جنوبی

کلیه اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) توزیع خواهد شد و هر یک از مناقصه‌گران جهت دریافت و عودت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی بایستی اسناد را تا آخرین مهلت ذکرشده در آگهی از طریق سامانه ستاد دریافت یا بارگذاری نمایند.

مناقصه‌گران تاییدشده در ارزیابی کیفی می‌بایست اسناد مناقصه را پس از بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا قبل از شروع جلسه کمیسیون مناقصات به‌صورت فیزیکی نیز تحویل دبیرخانه رمز و محرمانه واحد حراست شرکت گاز استان خراسان جنوبی نمایند.

این آگهی در سایت‌های www.shana.ir ، www.nigc-skgc.ir ، http://iets.mporg.ir و www.setadiran.ir قابل رؤیت می‌باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان جنوبی
شماره شناسه ۱۵۳۳۴۸۲

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی شهلا مناهی فرزند فضل‌الله به شماره شناسنامه ۷۲۷۱ صادره از گچساران در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی تکنولوژی معماری صادره از واحد دانشگاهی مسجدسلیمان به شماره ۱۸۴۴۰-۶-۲۰-۰۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان به نشانی مسجدسلیمان سه‌راهی سد شهید عباسپور دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان کدپستی ۶۴۹۱۷-۹۶۵۸۱ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اشرف فرجام‌نیا فرزند نادعلی به شناسنامه ۱۷۸ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی کاردان زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۵۷۵۱۰۶۰۰۰۲۸ مورخ ۸۷/۰۹/۲۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی آزاده بازیانی فرزند علمدار به شناسنامه ۶۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی آموزش‌وپرورش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۸۹۶۹۷۱ مورخ ۸۹/۱۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی علیرضا بلک فرزند عبدالصمد به شناسنامه ۹۳۲۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مکانیک حرارت و سیالات صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۱۵۲۴۶ مورخ ۹۱/۱۱/۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی سیده‌امینه فاضلی فرزند سهراب به شناسنامه ۱۶۶۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی معارف اسلامی دینی عربی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۲۵۰۰۷ مورخ ۹۲/۱۰/۱۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

اصل شناسنامه و سند کمپانی خودرو وانت سیستم پیکان تیپ ۱۶۰۰i شماره شاسی: NAAA36AA7AG219342 و شماره موتور: ۱۱۴۸۹۰۳۲۰۶۲ و شماره پلاک: ایران ۹۴ / ۲۳۱ ط ۲۴ به نام علی پاکیزه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بستک

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رامین پرویزی بابادی فرزند پرویز به شماره شناسنامه ۲۲۸ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی صادره از واحد دانشگاهی اهواز با شماره ۱۲/۹۸۴۴۵۴ خ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمد سوادی‌پور فرزند لطف‌الله به شماره شناسنامه ۲ صادره از رامهرمز در مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق- الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی دزفول با شماره ۲۰۳۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به نشانی بلوار آزادگان- دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به نشانی بلوار آزادگان- دانشگاه آزاد اسلامی دزفول ارسال نماید.

آگهی تجدید مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار در نظر دارد یک باب مغازه واقع در خیابان فیاض‌بخش- جنب مدرسه سماء دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار را از طریق مزایده به‌صورت اجاره واگذار نماید. لذا کلیه اشخاص می‌توانند جهت خرید اسناد مزایده به اداره تدارکات دانشگاه مراجعه نمایند. دانشگاه در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است. هزینه آگهی روزنامه به عهده برنده مزایده است. مدت زمان خرید اسناد مزایده و تحویل اسناد تکمیل شده به دبیرخانه دانشگاه ده روز کاری از تاریخ درج آگهی در روزنامه می‌باشد.

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR
فرهیختگان
farhikhteganonline